

مقاله/ ایران و جنبش عدم تعهد

۵ مهر ۱۳۹۳ ساعت ۱۸:۲۰

کی از راه هایی که انقلاب اسلامی ایران برای رسیدن به آرمان خود در زمینه اجرای سیاست نه شرقی، نه غربی و رها کردن کشور از وابستگی که رژیم پهلوی به دنیای غرب ایجاد کرده بود برگزید، پیوستن به جنبش عدم تعهد (Movement Aligned Non) بود. امکانی که تا پیش از این تاریخ (سال ۱۳۵۷) برای کشور ایران مهیا نبود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ هجری شمسی، ساختار سیاسی ایران شکل تازه ای به خود گرفت و به تبع آن دور تازه ای در زمینه سیاست خارجی کشور آغاز شد که دکترین نه شرقی، نه غربی را سر لوحه کار خود قرار داد.

یکی از راه هایی که انقلاب اسلامی ایران برای رسیدن به آرمان خود در زمینه اجرای سیاست نه شرقی، نه غربی و رها کردن کشور از وابستگی که رژیم پهلوی به دنیای غرب ایجاد کرده بود برگزید، پیوستن به جنبش عدم تعهد (Movement Align Non) بود. امکانی که تا پیش از این تاریخ (سال ۱۳۵۷) برای کشور ایران مهیا نبود.

ماهیت جنگ سرد و حضور ایران در اردوگاه غرب

پس از پایان جنگ جهانی دوم، جهان شاهد وضعیتی شد که در ادبیات سیاسی به جنگ سرد معروف گشت. جنگ سرد به دورانی از روابط بین المللی بین دو یا چند کشور گفته می شود که در آن برخورد ارتش ها و درگیری با سلاح های گرم صورت نمی گیرد ولی در اثر وخامت روابط آنها، انواع تحریکات و اقدامات مغایر با روابط عادی زمان صلح انجام می پذیرد. در چنین وضعیتی هر یک از طرفین جنگ سرد تلاش می نماید تا سیاست هائی برای تقویت خود و تضعیف طرف دیگر اتخاذ نماید ولی عملاً وارد جنگ نمی شود. (۱)

در این زمان از جمله مناطق حیاتی و استراتژیک برای غرب، منطقه خاورمیانه بود که به خاطر وجود منابع غنی انرژی دارای جایگاه بسیار حائز اهمیتی در سیاست های غرب بود، که همچنان نیز اهمیت خود را حفظ کرده است. پس از جنگ جهانی دوم، افزایش چشم گیر در تولیدات نفت خاورمیانه، اهمیت این منطقه را دو چندان ساخت. از نظر جغرافیایی، این منطقه در مسیر راه

های منتهی به آفریقا و جنوب آسیا قرار دارد و در صورت بروز جنگ جهانی کنترل آن ناحیه توسط هر طرف می تواند برگ برنده مهمی باشد. در خلال جنگ جهانی دوم اگر متفقین کنترل خاورمیانه و نفت ایران را در دست نداشتند به نظر بسیاری از مورخین جنگی، بعید بود که بتواند جنگ را پیروزمندانه در سال ۱۹۴۵ به پایان برساند. (۲)

غرب برای جلوگیری از نفوذ شوروی باید اقداماتی را در این منطقه از جهان انجام می داد و آن چیزی نبود جز وارد کردن کشورهای این منطقه در حلقه ی نزدیکان خود و وابسته کردن هرچه بیشتر این کشورها به غرب. برای نیل به این هدف، غرب با حمایت از حکومت های دست نشانده (که حکومت پهلوی نیز در زمره این حکومت ها بود) سعی در محافظت از منابع انرژی خاورمیانه در برابر نفوذ شوروی را داشت و اینکه با انجام این کار، در برابر متمایل شدن کشورهای مناطق مختلف جهان، منجمله خاورمیانه به دامان شوروی مانعی شود. در این راستا، غرب اقدام به ایجاد پیمان های نظامی مختلفی در سراسر جهان نمود تا این پیمان ها به عنوان سدی در برابر نفوذ شوروی کمونیست عمل کنند.

از جمله این پیمان ها، پیمان بغداد بود. پیمانی که در سال ۱۹۵۵ میلادی توسط عراق و ترکیه بسته شد و در ادامه نیز کشورهای ایران و انگلستان و پاکستان وارد آن شدند. در سال ۱۹۵۸ عراق از این پیمان خارج شد و در نتیجه در سال ۱۹۵۹ مرکز این پیمان به ترکیه منتقل شده و نام آن نیز به سازمان پیمان مرکزی (سنتو) تغییر یافت. این زمان مصادف است با دورانی که موجی از استعمار ستیزی و مبارزه با وابستگی در برخی کشورهای جهان سوم به راه افتاده بود. در ایران زمان دکتر مصدق، نهضت ملی شدن صنعت نفت و سیاست موازنه منفی دنبال شد و در کنفرانس باندونگ نیز که آغازی برای جنبش عدم تعهد بود، نوید آزادی ملت های آسیائی و آفریقائی سر داده می شد. محمد رضا پهلوی با روی گردانی از سیاست موازنه منفی، تنها برای حفظ موجودیت خود، ایران را وارد پیمان نظامی بغداد کرد و کشور را چنان به بلوک غرب وابسته ساخت که به کلی آزادی عملش را از دست داد و از این سیاست، نتیجه خاصی نصیب ایران نشد و پیمان بغداد طی بیست و سه سال، بیهودگی اش را ثابت کرد.

حضور ایران در پیمان سنتو (بغداد)، و نیز وابستگی بیش از پیش کشور به آمریکا و دیگر متحدانش، از جمله مهم ترین عواملی بودند که سبب شدند تا ایران هیچ گاه نتواند در زمان پهلوی وارد جنبش عدم تعهد شود.

انقلاب اسلامی و رهائی ایران از اردوگاه غرب

ششمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد در سال ۱۹۷۹ مهمان ویژه ای داشت که برای نخستین بار حضور در این اجلاس را تجربه می کرد. کشور ایران که از آن سال با عنوان جدید جمهوری اسلامی ایران در مجامع بین المللی شرکت می کرد، همانند نامش در دیگر جنبه های حیات سیاسی خود دچار رنسانس بزرگی شده بود که نشان از آغاز دوره ای جدید در میان کشورهای جهان سوم داشت. ایران به عنوان کشوری که تا چندی پیش جزو طرفداران غرب بود اکنون به جایی رسیده بود که به یکی از

مخالفان اصلی جهان غرب در عرصه بین‌المللی تبدیل شده بود و جنبش عدم تعهد با توجه به فلسفه وجودی اش، بهترین مکانی بود که می‌توانست پایگاه مناسبی برای اجرای استراتژی جدید کشور ایران در فضای بین‌الملل که همانا سیاست نه شرقی نه غربی بود باشد.

همانگونه که ذکر شد در ششمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد در هاوانا، پایتخت کشور کوبا در سال ۱۹۷۹ میلادی، جمهوری اسلامی ایران به عضویت رسمی جنبش عدم تعهد در آمد تا با حفظ استقلال و نیز با موضع‌گیری‌های درست، به بازنگری در معادلات جهانی بپردازد.

اجلاس شانزدهم

پس از برگزاری اجلاس هاوانا در سال ۱۹۷۹ میلادی تاکنون، نه بار دیگر نیز اجلاس سران جنبش عدم تعهد در کشورهای مختلف جهان برگزار شده است و امسال در حالی شانزدهمین دور از این اجلاس برگزار می‌شود، که جمهوری اسلامی ایران موفق شده است برای نخستین بار میزبانی یکی از بزرگترین نشست‌های بین‌المللی را به دست بیاورد. امتیازی که در صورت بهره‌گیری درست، می‌تواند یکی از بهترین فرصت‌های تاریخی را نصیب جمهوری اسلامی ایران کند.

در حال حاضر، جمهوری اسلامی ایران در یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخ سیاسی خود قرار دارد که همانا تلاش ایران برای دست‌یابی به حقوق قطعی خود در زمینه رسیدن به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای است.

مذاکرات هسته‌ای ایران با ۱+۵ همچنان با سنگ اندازی‌های غرب و رژیم اشغالگر قدس ادامه دارد. اجلاس عدم تعهد، فرصت مناسبی برای آگاهی سیاستمداران و افکار عمومی دنیا است که نشان دهد جمهوری اسلامی ایران بر خلاف آنچه که غرب می‌گوید، به دنبال فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای است.

یکی دیگر از فرصت‌های بسیار مهم و اساسی که این اجلاس نصیب جمهوری اسلامی ایران می‌کند این است که این اجلاس، ظرفیت‌های فراوانی برای ارتقاء جایگاه و پرستیژ ایران در سطح بین‌المللی خواهد داشت. چرا که به دنیا ثابت خواهد کرد که جمهوری اسلامی ایران کشور توانمندی است که علیرغم همه تحریم‌ها، می‌تواند به خوبی پذیرای عالی‌ترین هیأت‌های دیپلماتیک از بیش از یکصد و بیست کشور دنیا به طور همزمان باشد که نشان از ثبات بالای سیاسی و امنیتی در ایران خواهد داشت.

با توجه به رویکرد غرب ستیزانه جمهوری اسلامی ایران، طبیعی است که غرب همواره دست به توطئه‌هایی علیه ایران بزند، و با

توجه به رویکردهای منفعت طلبانه ای که در نگاه غربی وجود دارد لذا از هر ابزاری برای کارشکنی علیه ایران استفاده می کنند. در این راستا می توان از انواع اعمال تحریمها و کارشکنیها در سازمانهای بین المللی و دیگر سازمانها علیه ایران نام برد، و توجه به این نکته نشان دهنده اهمیت استفاده از جایگاه سازمانها برای پیشبرد خواسته های دولت های غربی است.

توجه به نکته فوق الذکر ما را به این امر رهنمون می سازد که جمهوری اسلامی ایران نیز با استفاده از این فرصت تاریخی که به عنوان ریاست سه ساله بزرگترین سازمان بین المللی بعد از سازمان ملل متحد رسیده است می تواند با بهره گیری از آن بر بسیاری از مشکلات ناشی از نگاه خصمانه غرب به ایران فائق آید، که در بدو امر حضور یکصد و بیست کشور جهان در این اجلاس نشان دهنده بی توجهی آنها به توصیه های غرب برای عدم شرکت در این نشست است.

از دیگر نکات قابل توجه در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد، شعاری است که برای آن انتخاب شده است: شعار "صلح پایدار در سایه مدیریت مشترک جهانی" به دنبال نشان دادن و القاء این مطلب به دنیای غرب است که در دنیا کشورهای دیگری نیز غیر از کشورهای اروپائی و آمریکائی وجود دارند که توان عرض اندام در برابر دنیای غرب را پیدا کرده اند و به این حد از شعور و بلوغ رسیده اند که با اتکای صرف به کشورهای غربی نمی توان به توسعه و پیشرفت دست یافت. چرا که تجربه سالها یکه تازی غرب در اشکال مختلف و توسط کشورهای مختلف غربی، نشان می دهد که آنها به تنها چیزی که می اندیشند، دست یابی به منافع خودشان است.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۰۱۶۹/تعهد-عدم-جنبش-ایران-مقاله>